

کی جی بی در افغانستان

نوشتۀ واسیلی متروخین، بایگان ارشد کی جی بی

برگرداننده به دری: داکتر حمید سیماب

قسمت سوم

سخنی با خواننده

پروژه اكمال و ویرایش سند «کی جی بی در افغانستان»

خوانندگان ارجمندی که دو بخش پیشین این سلسله را از نظر گذشتانده اند شاید متوجه شده باشند که برخی عدم دقت ها در محتوی و شیوۀ بیان این رساله وجود دارد که تا آنجا که ایجاب می کرد و در توان اینجانب بود در پاورقی ها به آنها اشاره شده است. این رساله در اصل بشکل دستنویس بزبان روسی نوشته شده است. شرایط پر از اضطراب و دلهره بی که در تحت آن اسناد محرم بایگانی کی جی بی پنهانی استنساخ و برون کشیده می شدند از بی دقتی ها در املائی نام ها و عدم مراعات نقطه گذاری که در زبان های اروپایی با دقت و وسواس مراعات می شود، آشکار است. پس ازینکه متروخین با اسناد برون آورده شده از کی جی بی به غرب آمد حجم گفتنی ها و افشا کردنی های مختلف بیشتر از آن بود که بتواند وقت و دقت لازم را برای ویرایش نوشته ها و پژوهش فاکت های یک رسالۀ دستنویس بخرچ دهد.

تا جایی که معلوم است این رساله هنوز بزبان اصلی روسی نشر نشده و همانگونه که درپیشگفتار بخش اول این ترجمۀ دری آمده، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ توسط «پروژه تاریخ بین المللی جنگ سرد» مربوط «مرکز بین المللی وودرو ویلسن برای دانشمندان» بزبان انگلیسی به نشر رسید. نسخۀ انگلیسی این رساله گویا معروض ویرایش قرار گرفته است اما کسانی که نسخۀ نشر شده انگلیسی را مطالعه کرده اند با خواهند کرد گواهی خواهند داد که ویرایش انجام یافته ناقص و پر از کاستی هاست و کمترتلاش صورت گرفته تا نوشته مطابق با معیارهای پذیرفته شدۀ ویرایش مسلکی در غرب ارائه گردد. (املائی نادرست و ناهمگون نام ها، عدم مراعات دقیق نقطه گذاری بخصوص هنگام نقل قول، از هم گسیخته بودن جملات و پر اگراف ها و سلیس نبودن بیان). شاید هم این «عدم دقت» در واقع بخاطر بازتاب دهی دقیق اصل روسی بوده باشد.

اینجانب و اکثر خوانندگان این رساله مربوط نسلی هستیم که شاهد عینی وقایع شرح شده درین نوشته بوده ایم و با نامها و شهرت اشخاص ذکر شده و حوادثی که آفریدند تا حد زیادی آشنایی داریم و مستقیماً متأثر از درامه های تاریخی ننگینی هستیم که شرح جریانات پشت پرده آنها درین رساله و در نوشته های بشمار دیگر آمده است. ولی ما نسلی هستیم که بسوی شامگاه زندگی خود را روایت و به یقین که خوانندگان جوانتر و آیندگان آن بوی آشنای خاطرات ناگوار این حوادث را که ما استشمام می کنیم نخواهند شنید، بنابراین لازم است توضیحات پاورقی و معرفی اشخاص و حوادث ذکر شده درین رساله هر چه همه جانبه تر و افشاگرتر باشد، که درین امر خود را محتاج مددکاری و همکاری خوانندگان ارجمند می دانم.

درین راستا از خوانندگان با درد این سلسله تقاضا میکنم که در صورتی که در مورد اشخاصی معلومات داشته باشند که درین رساله نام گرفته شده اند ولی معرفی دقیق نگردیده اند با تذکار آن به آدرس پیک برقی kbgbdariproject@yahoo.ca در اكمال و بیشتر مؤثقی ساختن این سند که پس از پایان نشر انترنتی بشکل نسخۀ چاپی انتشار خواهد یافت سهم حقیقت پویانه بگیرند. معلومات ارسالی آنها بنام خودشان در پاورقی ذکر خواهد شد.

درین ارتباط بصورت مشخص معلومات ذیل تقاضا می گردد:

- جاسوس نام گرفته شده در دوران وحشت و خیانت ۷ ثوری چه مقام و منصبی داشت؟
- شخص مذکور اکنون در کجا زندگی می کند؟ اگر فوت نموده چه وقت و در کجا چشم از جهان پوشیده است؟
- «یک تصویر گاهی کار هزار کلمه را می دهد». اگر عکسی از اشخاص ذکر شده درین رساله (چه ایجنت های کی جی بی و چه قربانیان جنایات شان) سراغ داشته باشید با فرستادن یا دادن نشانی آن بر همه خوانندگان منت بگذارید.
- معلومات بیشتر پیرامون کارنامه شخص مورد نظر

سپاس من و همه خوانندگان به آنانی که درین راستا سهم می گیرند از پیش تقدیم باد. (برگرداننده)

اولین نشانه شکاف بین تره کی و امین در اواخر ماه می ۱۹۷۸ در ارتباط اعضای دفتر وابسته نظامی سفارت افغانی در ماسکو رونما گردید. وابسته (اتاشه) نظامی افغانی حامل^۱ طره باز و معاونش قصد داشتند بجای برگشت به کابل به غرب بروند. تره کی امر کرد که آنها تحت الحفظ به کابل آورده شوند. امین گفت که باید به آنها اجازه داد به اروپا بروند، چون به گفته او «اگر به افغانستان برگردند مقامات باید آنها را دستگیر کنند و سپس تصمیم بگیرند با آنها چه معامله می کنند؟»

پیش از اینکه پونا ماریف سفر غیر رسمی به کابل انجام دهد تره کی و امین شتاب زده اقداماتی روی دست گرفتند تا اشخاصی را که رقبای بالقوه در برابر قدرت خود می دانستند از سر راه خود دور سازند. دستگیری های دسته جمعی و تدابیر سرکوب گرانه علیه رقبای شخصی در حزب و در بیرون از آن راه اندازی گردید. شخصی بنام میر علی اکبر^۲ که تره کی با او دشمنی شخصی داشت متهم به همکاری با سی آی ای شد. در چند ماه اول پس از کودتای ثور ۲۷ «توطئه» کشف گردید. شاهپور^۳ لوی در سنیز بروز ۱۵ اگست دستگیر گردید. بروز ۱۷ اگست عبدالقادر وزیر دفاع و به دنبال وی شماری از وزرا و مامورین دیگر دستگیر گردیدند. پالیسی تره کی و امین مبنی بر از بین بردن کسانی که بر سر راه تمرکز همه قدرت بدست خود شان قرار داشتند و نا مناسب پنداشته می شدند اکنون روشنتر از آفتاب شده بود. در افغانستان پنداشت آن بود که رهبری شوروی به آنها خیانت می کرد چون اتحاد شوروی یار و یاور این کشور بود ولی در برابر از میان برداری و نابودسازی کسانی که هواخواهی شان از اتحاد شوروی بر همگان آشکار بود هیچگونه حرکت بازدارانه و جلوگیری کننده انجام نمی داد.^۴ مثال و نمونه چنین پنداشت قضیه قادر بود که در کودتاهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ نقش داشت.

به گفته تره کی، آنانیکه دستگیر می شدند در زندان خاصی نگهداری می شدند اما کمتر کسی می دانست این زندان خاص در کجاست. تره کی به سفیر شوروی پوزانوف گفت: «اکثر آنها در آستانه خودکشی قرار دارند. هدایت^۵ قبلاً خودکشی نموده است. توطئه گران نمی خواهند فاکت های جدیدی را افشا کنند، بنابراین حاضرند خود را بکشند.^۶ قادر هنوز اعتراف نکرده است لکن به چندین اشتباهی که مرتکب شده اقرار نموده است. اکنون هدف آنست تا رهبری سیاسی توطئه کشف گردد و دانسته شود که پشت سر شاهپور و قادر کی ایستاد است؟ مطمئن هستیم که این را کشف خواهیم توانست.»

شاهپور در وضعیت روانی خیلی افسرده و اندوهگین قرار داشت. پیوسته می گریست و می خواست هرچه زودتر اعدامش کنند. عزیز، رئیس دستگاه ضد جاسوسی، محرمانه گفته بود که بازجویی و تحقیق صرف هنگامی انجام می شود که متهم حاضر به شهادت دادن بر متهمان دیگر باشد. باقی دستگیر شدگان اعدام می شدند. پیروان خمینی و اعضای سازمان اخوان المسلمین بلا فاصله اعدام می گردیدند.

نُه صد تن از اهالی ولایت بلخ در ماه می سال ۱۹۷۸ به امر عبدالاحد ولسی منشی اول کمیته ولایتی ح د خ ا بنام دشمنان انقلاب ثور دستگیر گردیدند. آنها را به زندانی در مزار شریف مرکز ولایت بلخ افکندند و زیر شکنجه گرفتند و کمیسیون برای بازرسی فعالیت های ضد انقلابی آنها تشکیل شد. در اواسط ماه جون از کابل هدایت رسید که همه دستگیر شدگان به کابل انتقال داده شوند ولی حین بررسی دریافت گردید که تعداد چنین اشخاص خیلی کاهش یافته بود چون هر شب بین ۵۰ تا ۶۰ تن از آنها برون کشیده شده در فرقه ۱۸ پیاده که قرارگاه آن در شهر مزار شریف بود اعدام می گردیدند. اعدام شوندگان خود برای دفن خود خندق می کردند. هیچگونه سجل و

^۱ چنانکه در پیشگفتار این ترجمه مختصراً تذکار رفت، رساله «کی جی بی در افغانستان» در کل مجموعه تدوین شده سیاه نویس هاست که کمتر معروض پژوهش و ویرایش مسلکی قرار گرفته است. یک مورد نمونه همین است. در متن انگلیسی که از روی نسخه دستنویس روسی برگردانی و تهیه گردیده است، این نام به شکل Khamil Turabaz آمده که دقیقاً نمی توان دانست منظور «جمیل طره باز» است یا احیاناً «خلیل طره باز» و یا هم «کامل طره باز». - برگرداننده

^۲ بعد ها شناسایی شد که رئیس شفاخانه جمهوریت بود - (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^۳ تورن جنرال شاهپور احمدزی - (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^۴ درین جا منظور نویسنده از «افغانستان» اعضای ح د خ ا و بخصوص پرچی هاست چون مردم افغانستان از ماهیت ح د خ ا و یاری و یآوری اتحاد شوروی درک و برداشتی غیر ازین داشتند. - برگرداننده

^۵ یعنی کودتا های ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و ۷ ثور ۱۳۵۷ - برگرداننده

^۶ هویت این «هدایت» نام دانسته نشد و نه نویسنده و نه هم ویرایشگر نسخه انگلیسی هیچگونه توضیحی درین مورد نداده اند. - برگرداننده

^۷ منطق دژخیمان ۷ ثوری همواره چنین بوده است. آگسای ها و خادیس های دکتر نجیب الله نیز اشخاص بی گناهی را که از بی خبری در هنگام بازجویی و شکنجه چیزی برای گفتن نداشتند «سرسپرده» می خواندند و تا سرحد مرگ شکنجه می کردند و اگر زنده می ماندند محکوم به اعدام می نمودند. - برگرداننده

سندی در ارتباط این زندانیان وجود نداشت، اما اوراق اعاشه روزانه نشان می داد که تعداد زندانیان هر روز بین ۳۰ تا ۷۰ تن کاهش یافته بود. اداره زندان توضیح داد که اشخاص مذکور به مناطق اورال و سائیریا در اتحاد شوروی فرستاده شده بودند تا از آنها برای انجام کار شاقه در آنجا استفاده گردد. خویشاوندان ناپدید شدگان بسته هایی حاوی اشیای مختلفی چون صابون از آنها بدست می آوردند که در آن نامه هایی حکایتگر شرایط مشکل و کار طاقت فرسا جاسازی شده بود.

تره کی در ماه آگست ۱۹۷۸ از کشف یک توطئه ضد دولتی به پوزانوف اطلاع داد. چین، ایالات متحده امریکا، ایران، پاکستان، عربستان سعودی و جمهوری فدرالی آلمان درین توطئه قلمداد شدند. [درینجا از نسخه اصلی چار کلمه کشیده شده است]. توطئه گران قصد داشتند تره کی و امین را از بین برده رهبری جدیدی انتخاب کنند. شاهپور لوی درستیز سابق و میر علی اکبر رئیس شفاخانه جمهوریت که هر دو قبلاً دستگیر شده بودند این نقشه را افشا ساخته بودند. امین گفت که «مقامات اکنون از اکثر دستگیر شدگان اعتراف بدست دارد» و اضافه کرد که «حزب نتوانست از قادر چنان مارکسیست لنینیست اصولی بسازد که بتواند در برابر هرگونه اثرگذاری منفی ایستادگی کند. این اشتباه ما بود.»

پوزانوف قسماً با نتیجه گیری امین موافق بود و اینرا به ماسکو اطلاع داد. «به عقیده ما قادر از نظر سیاسی پختگی لازم را نداشت. وی به ماجرا جویی متمایل و کمی هم نابخرد بود». سفیر شوروی اقدامات رهبران ح د خ را که «به عقیده سفارت باعث تقویت دولت انقلابی شده و بر نفوذ حزب در نیروهای مسلح افغانستان خواهد افزود» موجه دانست.

امین به پوزانوف و خزاروف^۸ اطمینان داد که وی همواره با خشنودی حاضر است مشوره دوستان شوروی خود را بپذیرد و از تجربیات حزب کمونیست اتحاد شوروی بیاموزد چون مبارزه با پرچمی ها همانند مبارزه میان بلشویک ها و منشویک ها بود.

تره کی رقبای خود را سر به نیست کرده نفوذ خود را مستحکم ساخت و در پی آن شد تا مردم پسند گردد. بدین منظور شروع کرد به روز های جمعه مسجد رفتن و بیانیه های رادیویی خود را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغازیدن.

بر اساس تخمین اقامتگاه کی جی بی در آستانه کودتای ثور ۵۰۰ تن از اعضا و ۱۲۰۰ تن از هواخواهان جناح پرچم در اردوی افغانستان وجود داشت. ارقام همخوان برای جناح خلق ۴۷۰ عضو و ۱۱۰۰ هواخواه بود. در بین افراد ملکی ۵۵۰۰ تن پرچمی و کمتر از ۱۰۰ تن خلقی وجود داشت. در اخیر ماه جون ۱۹۷۹، ح د خ ۱۴۰۰۰ تن عضو ملکی و ۳۰۰۰ عضو نظامی در قوای مسلح داشت.

قدرت حزبی در دستان تره کی و امین، که نمی خواستند به شیوه رهبری جمعی اداره کشور تغییرروش دهند، متمرکز بود. آنها اتوریته حزب را پایین آورده و هرگونه ابتکار از جانب شورای انقلابی، کمیته مرکزی و هیئت وزرا را رد می کردند. اصول مارکسیستی لنینیستی زندگی حزبی و اعمار دولت متروک شده و کیش شخصیت تره کی – امین تلقین و القا می گردید. اقامتگاه کی جی بی بیشتر ازین متوجه شده بود که امین تره کی را با لنین مقایسه میکرد، تاریخچه ح د خ ۱ در کل تحریف گردیده و حوادث ۲۷ و ۲۸ اپریل ۱۹۷۸ بمثابة الگو و نمونه یی برای انقلاب تعریف می گردید. در ضیافتی که به افتخار هیئت بازدید کننده کی جی بی به ریاست و.ا. کریوچکوف^۹ رئیس ریاست عمومی اول کی جی بی ترتیب شده بود تره کی انقلاب ثور افغانستان را با انقلاب اکتوبر روسیه همسان خواند: قدرت به سرعت رپوده شده بود، در روسیه بلشویک ها علیه منشویک ها و سوسیال ریولوسیونر ها می جنگیدند و در افغانستان بخاطر تشکیل یک حزب واحد و متحد مبارزه و پیکار صورت می گرفت. وی گفت: «ما به تجربه سیستم چند حزبی در برخی کشور های سوسیالیستی احترام می گذاریم لکن ترجیح می دهیم نمونه اتحاد شوروی را سرمشق قرار دهیم. آنچه در افغانستان می گذرد سرآغاز دیکتاتوری پرولتاریا بر اساس الگوی شوروی است.»

بعدها، در جنوری ۱۹۸۱، اقامتگاه به مرکز نوشت که برخی اعضای جناح خلق همچنان به تجلیل کیش شخصیت تره کی و تمجید نقش وی در پیریزی ح د خ ۱ ادامه می دادند^{۱۰}. آنها شایعاتی را در اردو دامن می زدند

^۸ V.I. Khazarov. هویت و نقش این شخص توضیح نگردیده است. – برگرداننده

^۹ V.A. Kryuchkov

^{۱۰} تره کی در سال ۱۹۷۹ کشته شده بود. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

که گویا پرچمی ها کنترل ح د خ ا را بگونه مؤقتی بدست گرفته بودند. خلقی ها در تعمیل اوامر قوماندانان کارشکنی کرده و کار زار ضد حکومتی را پیش می بردند.

کارمل بخاطر موضعگیری رفقای شوروی اش از ترس در برابر تره کی زهره آواز بالا کردن نداشت. صحبت هایی که کارمل با شوروی ها داشت به وی نشان داد که شوروی ها خط معین و مشخصی در قبال مسائل ح د خ ا اتخاذ نکرده بودند و تصویر واقعبینانه یی از حقایق و فاکت ها نداشتند و مشوره هایی که می دادند اکثراً متناقض می بود.

کی جی بی چند بار از طریق نماینده خود از حفیظ الله امین که کنترل ارگان های امنیت دولتی را بدست داشت خواست تا به پیگرد چندین ایجنت کی جی بی و ارتباطی های مورد اعتماد آن که از طرف مقامات به فعالیت های ضد دولتی متهم شده بودند خاتمه داده سوظن عدم وفاداری سیاسی را از آنها دورکند و آنها را رها سازد. به امین گفته شد که این اشخاص برای استخبارات شوروی کارهای درخور انجام می دادند و ازین طریق به انقلاب دموکراتیک مردم در افغانستان کمک کرده و دوستی بین خلق های اتحاد شوروی و افغانستان را تقویه می کردند. کسانیکه درین زمینه از آنها نام برده می شد مشتمل بودند برحسن شرق معاون صدارت در وقت دأود، عبدالصمد از هر رئیس پیشین ژاندارم و پولیس وزارت امور داخله، محمد رفیع¹¹ عضو پیشین شورای انقلابی و وزیر اسبق فوائد عامه، عبدالسلام وزیر سابق تجارت، عبدالقادر وزیر دفاع و چندین تن دیگر. اسدالله رئیس امنیت ملی¹² در پاسخ به یکی از چنین تقاضاها به نمایندگی از امین گفت که «زندگی بعضی اشخاص دستگیر شده که با شما ارتباط داشتند بخشیده خواهد شد. شاید در ظرف پنج سال رها گردند.» امین خودش چنان می نمود که آماده است آنده شهروندان افغانی را که رفقای شوروی با آنها شناخت نزدیک داشتند و دوست اتحاد شوروی شمرده می شدند از بند رها سازد اما در عین زمان این سرزنش را نیز گوشزد می کرد: «درین کشور دستگاه جدید دولتی در حال ساختمان است و تغییرات اجتماعی اقتصادی در دست اجراست. برخی کارشناسان شوروی بخصوص آنانیکه از مدت سالها بدینسو در رژیم گذشته در افغانستان کار کرده بودند و حالا به این کشور برگشته اند اکثراً این کشور را با دید سابق می نگرند و آنچه را که درین کشور می گذرد با دید عینی نمی بینند.»¹³

پوزانوف به نمایندگی از بالادستان خود از تره کی خواست تا کشتند¹⁴ و قادر که هر دو بازداشت شده بودند اعدام نکرند. تره کی جواب داد: «گناه شان خیلی بزرگ است. آنها وارد معامله شدند و توطئه یی را بکمک ایالات متحده و چین سازمان دادند. من می پذیرم که سرکوب سلاخی بس نهایی و وخیم است اما لنین به ما آموخت که در برابر دشمنان انقلاب بیرحم باشیم. ملیون ها نفر مجبوراً محو گردیدند تا انقلاب اکتوبر استحکام یافت. اگر ازین سلاح قاطعانه کار گرفته شود، چنانکه در شورش دیروز کار گرفته شد، نتیجه آن واضح است.» این گفت و شنود بروز ۶ اگست ۱۹۷۹ صورت گرفت¹⁵.

ب.ن. پوناماریف از ۱۷ تا ۲۰ جولای ۱۹۷۹ به غرض دادن رهنمود از کابل باز دید کرد. پنجشیری¹⁶ وزیر فواید عامه طی صحبت محرمانه یی با وی اظهار تأسف کرد که پوناماریف از دیدار با اکثریت فعالین حزبی خودداری کرده بود. وی حتی با همه اعضای دفتر سیاسی نیز صحبت نکرد بلکه دید و وادید های خود را محدود به تره کی و امین ساخته بود. پنجشیری گفت: «همه تصامیم در دفتر سیاسی را دوتن، تره کی و امین، می گیرند. تره کی مصوبه هایی را که امین پیشنهاد می کند تأیید می کند. دیگران خرده مهره هایی اند که کف می زنند. کسی تا کنون جرأت نکرده است در برابر تره کی و امین آواز خود را بلند کند چون می ترسند برچسپ دشمن انقلاب بر

¹¹ دگر جنرال محمد رفیع، عضو جناح پرچم ح د خ ا، وزیر فوائد عامه از ماه می تا اگست ۱۹۷۸، سپس تصفیه گردید. در حکومت کارمل به سمت وزیر دفاع گماشته شد (۱۹۸۰-۱۹۸۲، ۱۹۸۶-۱۹۸۸)، عضو دفتر سیاسی از ۱۹۸۱ به بعد. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

¹² منظور اسدالله سروری رئیس آگسا است. - برگرداننده

¹³ گفتار امین گویی این مطلب را القأ می کرد که حضور کی جی بی به حیثیت افغانانی که در گذشته با کی جی بی مناسبات و روابط ایجنت با کارانداز را داشتند و اکنون رجل سیاسی و دولتی شده بودند لطمه وارد می کرد. (یادداشت نویسنده)

¹⁴ سلطان علی کشتمند، عضو جناح پرچم و وزیر پلان در اولین کابینه ح د خ ا. پس از انقلاب ثور یکجا با دیگر سربرآوردگان پرچم تصفیه گردیده و محکوم به مرگ شد. حکم اعدامش بعدتر به ۱۵ سال زندان کاهش داده شد. پس ازینکه ببرک کارمل به قدرت برگشت عضو دفتر سیاسی ح د خ ا گردید و سال بعد به نخست وزیری گماشته شد (۱۹۸۱-۱۹۸۸). (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

¹⁵ ۶ اگست ۱۹۷۸ مطابق است با ۱۵ اسد ۱۳۵۸. در روز پیشتر یعنی ۱۴ اسد ۱۳۵۸ قیام نظامی بالاحصار راه افتاده بود که توسط دولت تره کی - امین ددمنشانه سرکوب گردید. - برگرداننده

¹⁶ غلام دستگیر پنجشیری، معلم سابق ادبیات در دارالمعلمین کابل و بعدها شخصیت عمده حزبی و دولتی. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

آنها زده شود. سیاست های تره کی و امین در برابر مردم ناخشنودی زیادی بار آورده است. مردم بی گناه شبانه بدون هیچ دلیل در برابر چشمان گریان زنان و فرزندان شان دستگیر می گردند.»

اشتباه یا کوتاه نگری پوناماریف را ب. س. ایوانوف¹⁷ تصحیح کرد. وی بتاريخ ۲۹ جولای ۱۹۷۹ با دستگیری پنجشیری (نام مستعار «ریچارد») ملاقات کرد و به وی در مورد نامه یی اطلاع داد که پوناماریف از جانب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به کمیته مرکزی ح د خ ا رسانده بود. پنجشیری بخاطر اعتماد ایوانوف از او تشکر کرد و به وی اطمینان داد که بخاطر سعادت و طنش و تقویه دوستی بین احزاب و مردمان دو کشور برادر بصورت خستگی ناپذیر کار خواهد کرد. وی گفت که عملکرد جاری تمکین و تن در دهی بی قید و شرط به مصوبه های تره کی و امین اشتباهات گذشته را چاره نکرده و به بهبود و نورمال سازی وضعیت در کشور کمک خواهد کرد. اقامتگاه معلومات ارائه شده توسط «ریچارد» را خیلی با ارزش تلقی کرد.

بروز ۲۷ جولای ۱۹۷۹ تره کی تغییرات اضافی به حکومت وارد کرد. امین یکبار دیگر مسئول امور نظامی ساخته شد. پوزانوف، ایوانوف و ل. پ. گوریلوف سرمشاور نظامی شوروی نزد تره کی رفتند و دلیل تغییرات را توضیح خواستند. امین از افرادش پرسید که چرا رفقای شوروی چنین عاجل با تره کی دیدار کردند؟ و خود به پرسش خود چنین پاسخ داد: «پیداست که آنها در ارتباط با تغییر و تبدیل در حکومت نگران هستند چون ما به آنها در آن مورد از پیش اطلاع ندادیم.»

گزارشی به ماسکو رسید که دیپلمات های امریکا در کابل تغییر در پست های حکومتی را تلاش مذبوحانه یی برای نجات و ضعیف می دانستند. امین قمار بزرگی زده بود چون اگر جنگ در برابر شورشیان به پیروزی نمی انجامید همه ملامتی به گردن او می افتاد.

ایوانوف به تعقیب ملاقاتش با امین تلگرام ذیل را بروز ۲۹ جولای به ماسکو فرستاد: «تره کی گزارش کاملی از پیامی که برایش فرستادیم به امین نداده بود. چنان می نماید که او این کار را بعد کرده است تا به امین نشان دهد که جانب شوروی از او زیاد حساب می برد.»

نمایندگان دولت شوروی و رهبران دولت افغانستان آشکارا از یکدیگر بیزار گردیده بودند. افغان ها تا حدی خود سری نشان می دادند و بدون مشاوره عمل می کردند. در نتیجه به مشاورین و کارشناسان شوروی هدایت داده شد تا معلومات مفصلتری در مورد فعالیت ها و اعمال راه انداخته شده توسط افغانان جمع آوری کنند. شمار کارمندان نمایندگی افزایش داده شد و برای نمایندگی کی جی بی پنج دستیار تعیین شد تا به امور مربوط به ضد جاسوسی، ضد جاسوسی نظامی، مسائل سرحدی و کار کرد های وزارت داخله افغانستان رسیدگی کنند. به نخستین دستکاری که گماشته شد مسئولیت کار شعبه استخبارات داده شد و گروه اطلاعات و تحلیلات ایجاد گردید. در ماه مارچ ۱۹۷۹ دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی قطعنامه خاصی را در ارتباط تقرر جنرال ن. س. وسلکوف¹⁸ به گروه مشاورین وزارت داخله شوروی وابسته به وزارت امور داخله افغانستان صادر کرد. هیئت های مختلفی به ادارات و وزارت خانه های مختلف افغانی فرستاده شدند تا افغانان را ارشاد کنند. یکی ازین هیئت ها که متشکل از ای. دروزتسکی¹⁹ رئیس پرسونل وزارت داخله شوروی، و آ. ا. ایلیین²⁰ رئیس یکی از شعبات آن بود در ماه های می و جون به ژاندارمری²¹ فرستاده شد.

مشاورین پشتکار و فعالیت زیاد نشان دادند و به کاویدن در همه درزها و شکاف های وزارت خانه ها پرداختند. بگونه مثال، مشاور ن. ک. گریچین²² اظهار داشت که می خواهد «وزیر پشت پرده» باشد و امور اقتصادی و مالی را یکجا با وزیر پلان پیش برده، نه تنها مسئول برنامه ریزی باشد بلکه مسئولیت اکمال برنامه ها را نیز داشته باشد یعنی در واقع در همه چیز با وزیر مسئولیت مشترک داشته باشد. وی پیشنهاد کرد که اتخاذ همه تصمیمات مشروط به توافق رأی همه جوانب ذیدخل یعنی وزرا و مشاورین باشد. عبدالکریم میثاق وزیر مالیه و عضو دفتر سیاسی اعتراض منطقی کرد که «این وزارت است، ملل متحد نیست!»

¹⁷ Boris S. Ivanov، افسر کارکنه کی جی بی با رتبه دگر جنرال، از بهار ۱۹۷۹ به بعد صاحب منصب عالیرتبه کی جی بی در کابل. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

¹⁸ N.S. Veselkov

¹⁹ I.Y. Drozdetsky

²⁰ A.I. Ilyin

²¹ احتمالاً منظور از «ژاندارمری» پولیس افغانستان است که دولت خلقی ها نام آنرا به «خاندوی» تغییر دادند. — برگرداننده

²² N.K. Grechin

افغانان ازین درخواست که به مشاورین نقش اساسی تر داده شود با سرگشتگی آشکار و حتی احساس اذیت استقبال کردند. گریچین پیشنهاد کرد که کمیسیون دایمی ایکه مشاورین اعضایش باشند در وزارت تجارت ایجاد گردد تا به مسائل مربوط به کارکرد وزارت رسیدگی کند. بازهم میثاق با معقولیت اظهار داشت: «از شما خواهش می کنم شیوه های بوروکراتیک تانرا به وزارت خانه های افغانستان نیارید. ما از خود کافی بوروکراسی داریم. از شما تقاضا می کنم جاگزین وزرا نشوید و وظایف و مسئولیت های شانرا به این یا آن کمیسیون انتقال ندهید. وزرا باید مسئولیت کامل همه اجراءات وزارت خانه های خود را داشته باشند و هیچ کمیسیونی از هیچ نوع نباید جای آنها را بگیرد.»²³

بنابراین تصمیم گرفته شد تا میثاق بی اعتبار ساخته شود. وی آشکارا این اندیشه را بیان داشته بود که اتحاد شوروی باید به جمهوری دموکراتیک افغانستان کمک کند تا «سوسیالیزم را در ظرف سی ماه در افغانستان اعمار نماید». کی جی بی این گفته را نشانه وابستگی به اتحاد شوروی و زمینه ساز احتمالی بدنامی کمک شوروی تلقی کرد. با استفاده از امکانات کی جی بی در جنوری ۱۹۷۹ در ماسکو آپروریزی میثاق در چشم رهبری افغانستان و در چشم کشور های جهان سوم زمینه سازی شد. به رهبری افغانستان گفته شد که میثاق بگونه غیر منطقی و غیر معقول از اتحاد شوروی تقاضای منابع و امکاناتی را نموده بود که افغانستان توانایی جذب و هضم آنرا نداشت. به رهبری افغانستان حالی گردید که آنها ناآگاهانه تحت نفوذ میثاق قرار داشتند و اینکه وی موضع خصمانه در برابر اتحاد شوروی داشت و زیر اثر مائویست ها بود.

زوتوف²⁴ مشاور وزارت مالیه در برابر غوربندی²⁵ وزیر تجارت که عضو شورای انقلابی بود گستاخی و قیاحانه انجام داد.

افغان ها به نوبه خود نا راحتی خود را در ارتباط به کفایت و لیاقت مشاورین نظامی ابراز می کردند. امین از عملیات نظامی اواخر سال ۱۹۷۸ در تنگی کامدیش ولایت ننگرهار²⁶ افسرده و اندوهگین بود.

«سربازان افغانی تحت رهبری مشاور بریاسکین²⁷ از دیر زمانی بدینسو نشان داده اند که توانایی نابودسازی باند های ضد دولتی را ندارند. ما به مشاورین شما اختیارات وسیع در رهبری سربازان افغانی دادیم و هرگونه کوتاهی در تعمیم مشوره قوماندانان شما توسط سربازان افغانی با مجازات شدید مقابله می گردد. این به ما نشانگر آنست که همه مشاورین شما لیاقت و کفایت لازم را ندارند. ما به جنرالان کارآزموده نیاز داریم و می دانیم که چنین جنرالان در اتحاد شوروی زیادند. آنها باید قابلیت های رزمی اردوی افغانستان را بلند برده به آن چگونگی جنگیدن و بکار گیری تجربه ارتش شوروی در زمان جنگ را بیاموزند.»

با اشاره به گوریلوف، امین به جنرال زپلاتین²⁸ گفت «کار کردن با رهبر کنونی شما دشوار است و معاونش (خرامچنکو)²⁹ توانایی گرفتن هیچگونه تصمیم جدی را ندارد.»

افغان ها در مورد واقعیت زندگی اتحاد شوروی نیز سرخورده و دلسرد بودند. ایجنت افغانی «رگاس»³⁰ اظهار داشت که وی شخصاً رشوه ستانی گسترده را در اتحاد شوروی شاهد بوده است. وقتی همسرش در شفاخانه بوتکین در ماسکو بستری بود دکتران و دیگر کارمندان نه تنها چشم انتظار تحفه و رشوه بودند بلکه برای بدست آوردن آن کارشکنی و تعلل نیز می کردند.

²³ یک ضرب المثل افغانی است که می گوید «داشته آید بکار، گرچه بود زهر مار». امین افغانان را تشویق می کرد تا از روس ها هرچه بیشتر تقاضا کنند، چون بگفته او «روس ها آنرا بما خواهند داد. اهمیت افغانستان برای روسیه بیشتر از اهمیت روسیه برای افغانستان است، بنابراین شوروی ها آماده برای هرگونه قربانی هستند.» (یادداشت نویسنده)

²⁴ Zotov

²⁵ عبدالقدوس غوربندی، وزیر تجارت در اولین کابینه دولت ۷ ثوری - برگرداننده

²⁶ کذا فی الاصل. ولسوالی کامدیش در ولایت ننگرهار نه، بلکه در ولایت نورستان واقع است. نویسنده حتی نام «ولایت ننگرهار» را

بشکل Nangrakharsk آورده که همینگونه در ترجمه انگلیسی نیز آمده، در حالیکه به «ولایت ننگرهار» در زبان روسی Oblast

Ningarkhar می گویند - برگرداننده

²⁷ Bryaskin

²⁸ تورن جنرال واسیلی پ. زپلاتین (Vasiliy P. Zaplatin) از می ۱۹۷۸ به بعد سرمشاور سیاسی اردوی افغانستان. (یادداشت

ویرایشگر نسخه انگلیسی)

²⁹ Khrumchenko

³⁰ جیلانی باختری، وزیر زراعت در کابینه داود. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

در جانب شوروی نیز نارضایتی وجود داشت لکن به گونه دیگری تبارز داده می شد. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نامه پی از شخص ناشناسی دریافت کرد. درین نامه بیان شده بود که سفیر کبیر پوزانوف، مشاور نظامی گوریلوف، و نماینده مقیم کی جی بی اوسادچی با هم داره پی تشکیل داده بودند. در نامه ادعا شده بود که آنها خط مشی حزبی را به دلایل شخصی وبا در نظر داشت ملاحظات ارتقا مسلکی وارونه کرده، وجوه مالی سفارت را غارت و خود را ثروتمند ساخته بودند، زیاد مست می کردند و زندگی هزره و پر از فسق و فجوری پیش می بردند. وابسته نظامی و مشاورین سفارت اسناد و گزارشات جعلی می نوشتند و مفتشین را نشئه ساخته برایشان رشوه پیشکش می کردند. رشوه ستانی رونق داشت و تحایف و رشوه ها از کارشناسان افغانی و شوروی بزور گرفته می شد. سازمانده حزبی که از جانب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی توظیف شده بود نیز مشغول پول اندوزی بود و آنانی که همکاری نمی کردند باید انتظار انتقام گیری و برگشتانده شدن را می داشتند. نویسنده از اعدام داود که به گفته او «تا مغز استخوان نفر خود ما بود» ابراز تأسف کرده و رهبری جدید افغانستان را نفرین کرده بود.

نظامیان در حین اجرای وظایف انترناسیونالستی انضباط نظامی خود را از دست داده بودند. اینک یک مثال:

بروز ۲۱ جون ۱۹۷۹ چار مترجم از فرقه ۲۵ که در شهر خوست مستقر بود در تجلیل از فراغت خود ضیافتی ترتیب دادند. بگرم کالینین رئیس استخبارات فرقه، گوروفس رئیس محافظین سرحدی، جگرن ن.س. سمنچنکو قوماندان غوند ۵۹ توپچی، و ن. ا. کراوس³¹ قوماندان فرقه در جمله دعوت شدگان بودند. مشروب کافی وجود داشت و همه سرگرم نوشانوش شدند. چنانکه واقع شدنیست، وقتی نشئه شدند دعوا راه افتاد که به مسابقه فحاشی رسید. لمری بریدمن صادقوف³² که ازبک بود زمینه برون ریزی همه عقده هایی را یافت که در درونش روی هم انبار شده بودند. وی مدت ها رنج کشیده و حرف های زهرآگین بالادستانش در مورد ترجمانی غیر دقیقش را با فحش و ناسزای غیر قابل بیانی که می شنید تحمل کرده بود. اکنون خیلی برافروخته بود و آغاز کرد به دشنام دادن به مشاورین. درین میان ماشینداری بچنگ آورده تهدید به انتقام گیری کرد. دریم بریدمن ملولتکین³³ توانست او را خلع سلاح کرده به اتاق دیگری برد. صادقوف در آنجا بخواب رفت ولی ساعتی بعد بیدار شده به اتاق نوکریوال راه گشود و باهیجان فریاد زد: «شما فکر می کنید که از وطن تان دفاع می کنید؟ بلی؟ نه، شما همه خائن هستید» و به گفتن ناسزاهایی که در قلم نتواند آمد ادامه داد. آنچه هشیار می اندیشد مست از دهان برون ریزد.

حاضرین هراسناک گردیدند. افسران کسلیف، ریابچنسکی و کوستین³⁴ سعی کردند با او استدلال کنند و او را آرام سازند. او را به اتاق دیگری بردند اما چندی بعد صادقوف دوباره ماشینداری بدست پیدا شد. اثر می و ودکا هنوز برطرف نشده بود. در دهلز آغاز به تیر اندازی کرد و سپس به بیرون دویده بی هدف تیر انداختن گرفت. سمنچنکو کشته شد و ملولتکین و یک سرباز افغانی زخم برداشتند.

به س.پ. توتوشکین³⁵ معاون سرمشاور نظامی با لحن گرفته از حادثه اطلاع دادند و خبر در زنجیره فرماندهی بالا رفت. به خانواده سمنچنکو اطلاع داده شد که وی قهرمانانه هنگام ایفای وظایف انترناسیونالیستی جان سپرد.

ادامه دارد

Kalinen, Gorofes, Semenchenko & N.A. Krus³¹

Sadykov³²

Maloletkin³³

Kisiliev, Ryabchinsky & Kostin³⁴

S.P. Tutushkin³⁵